

چه کسی دیگری را محاصره کرده است؟ غزه یا دشمنانش؟

نویسنده: راشد الغنوشي
ترجمه: فرشته وحیدی

◆ اشاره

«اسطول الحریه» یا کاروان آزادی از دهم خردادماه ۱۳۸۹ در فرهنگ واژگان عرصه مبارزات ضدصهیونیستی به طور برجسته‌ای حک گردید تا شیوه‌ای نوین از مقابله کارآمد علیه صهیونیست‌ها را به جهانیان در قالب زمان ارایه نماید.

فرهنگ‌سازی مبارزات ضدصهیونیستی اهمیت خود را بسیار بیشتر از مبارزه در داستان کاروان آزادی که متشکل از ۴۵ فعال حقوق بشر از ۵۰ ملیت در ۶ کشتی است، بر همگان اثبات کرد و آنچه باعث درخشش این ابتکار برای شکستن حصر غزه گردید، حماقت صهیونیست‌ها در اوج ناتوانی در به کارگیری سایر روش‌ها در برخورد با این موضوع بود؛ در واقع آنان در این جریان دچار استیصال سیاسی به معنای دقیق آن شدند و راه بهتر طبق خصلت ذاتی آنها همچون گذشته خشونت و کشتار بود.

نوشته راشد الغنوشي از رهبران مسلمان تونس رویکردی جالب و متفاوت در این عرصه است.

حصار بین‌المللی که امپریالیسم صهیونیستی بر غزه تحمیل کرده و تمامی توان نظامی و تبلیغاتی خود را علیه آن به‌کار بسته و همچنین هم‌پیمانی این رژیم با غرب به رهبری امریکا و متحدانش در منطقه و سراسر جهان به‌منظور غلبه بر مقاومت رهبران مسلمان در غزه- که با تمامی رنج‌دیدگان از سیطره امریکا و صهیونیسم هم‌پیمان است- در حال فروپاشی و از بین رفتن است و نشانه‌های فروپاشی آن در عرصه قدرت در روابط بین‌الملل آشکار می‌شود تا نویدبخش جهانی جدید باشد؛ اما ابعاد و ویژگی‌های این جهان جدید چه خواهد بود؟

۱. پایداری اسطوره‌ای غزه!

الف. هیچ‌کس توقع نداشت که حماس در غزه و در مواجهه با دستگاه مخوف امنیتی که نظام بین‌المللی بر فعالیت‌های این جنبش تحمیل نموده و میلیون‌ها دلار برای آن هزینه کرده، مقاومت کند. شایان یادآوری است این نظام امنیتی طی چند ساعت از هم پاشید و به دست چند صد نفر از افراد گردان‌های عزالدین قسام از بین رفت. قاطعانه می‌توان گفت اگر حماس نبود، شرایط غزه تفاوت چندانی با کرانه باختری نداشت که سربازان صهیونیست با آرامش و امنیت در شهرها و روستاهای آن رفت‌وآمد می‌کنند و در مقابل چشم ده‌ها تن از نیروهای «تشکیلات خودگردان» هر کس را که بخواهند دستگیر می‌کنند و می‌کشند. این نیروها خود توسط اشغالگران مورد آزار قرار می‌گیرند و بازداشت می‌شوند تا بدین‌گونه مجبور شوند با جدیت بیشتری فعالیت‌های مربوط به مقاومت را پیگیری کنند. در حالی‌که دستگیری حتی یک نفر در غزه آزاد یا نجات یک اسیر باعث به‌راه افتادن جنگی تمام‌عیار می‌شود.

پس با کدامین معیار عادلانه می‌توان از ارزش آنچه غزه را آزاد نگه داشته و آن را از سرزمینی اشغال‌شده به مرحله‌ای رسانده که در مقابل چیزی سر تسلیم فروز نمی‌آورد، کاست؟ اگر قرار باشد بین غزه و رام‌الله آشتی ایجاد شود و هر دو طرف در جبهه واحدی قرار گیرند و برای به‌دست آوردن حکومت، منازعه نکنند باید در برابر اشغالگری و معضل نبود

مقاومت با یکدیگر متحد شوند اما نپرسند اتحاد بر کدام اساس؟ بر اساس مقاومت یا سراب سازش؟

این پایداری اسطوره‌ای غزه است که موج اعلام همدردی را در جهان با خود همراه کرده و تحولات مهمی را در عرصه روابط بین‌الملل رقم زده است.

هیچ‌کس توقع نداشت که حماس در غزه و در مواجهه با دستگاه مخوف امنیتی که نظام بین‌المللی بر فعالیت‌های این جنبش تحمیل نموده و میلیون‌ها دلار برای آن هزینه کرده، مقاومت کند

ب. اگر همبستگی قوی بین مردم غزه و رهبران منتخب حماس نبود، غزه نمی‌توانست در مقابل محاصره خفقان‌آور و جنگ وحشیانه همه‌جانبه‌ای که از سوی ارتشی که کشورها و نظامیان منطقه از آن می‌هراسند، مقاومت کند؛ نه به این دلیل که رهبری حماس خالی از اشتباه است بلکه به آن سبب که این رهبران

همچون مردمان عادی زندگی می‌کنند و در اردوگاه‌ها و مساجد با مردم به‌سر می‌برند. ملت ما توانایی پایان‌ناپذیری برای صبر و فداکاری دارد و اگر به شجاعت و عدالت رهبرانش ایمان داشته باشد تمامی نقشه‌های رژیم صهیونیستی که به‌منظور از میان برداشتن حماس و بیرون راندن آن از غزه طراحی شده- رژیمی که مورد حمایت نظام بین‌المللی بوده و با نظام‌های منطقه‌ای نیز همدست است- با شکست و ناکامی روبه‌رو خواهد شد.

ج. درس‌هایی که می‌توان از غزه گرفت: پایداری مؤمنان اهل حق هر چند با امکانات مادی کم در مقابل زورگویی و عربده‌جویی قدرت‌های بزرگ، امری ممکن است. سنگ‌های کودکان که تبدیل به موشک شده اگر در دستانی قرار گیرد که از قلبی مالا مال از ایمان به مقاومت فرمان برد می‌تواند معیار جدیدی برای قدرت بسازد؛ چراکه سیاست، هنر تغییر دادن معیارهای قدرت است نه تسلیم شدن در برابر آن.

شیخ احمد یاسین چیزی جز جسمی نحیف و صندلی چرخدار نداشت؛ با وجود این به مدد روحیه خود و ایمانش به مقاومت و تغییر معیار قدرت تبدیل به چهره‌ای شده بود که شارون از او می‌ترسید. باید توجه داشت که سرانجام شارون مایه عبرت همگان است.

۲. سرانجام، کاروان آزادی پیروز میدان شد!

کاروان آزادی فقط برای کودکان غزه غذا، دارو و اسباب‌بازی و برای بناهای این منطقه و ترمیم ساختمان‌های آن، که در اثر حملات اشغالگران بر سر ساکنانش خراب شده بود، سیما حمل می‌کرد؛ ساکنانی که بر فراز خرابه‌های خانه‌هایشان نشستند و چشم به آسمان دوختند تا جامعه جهانی و کشورهای منطقه به کمکشان بشتابند؛ اما کسی جرئت نمی‌کرد که دشمن صهیونیست را که از رسیدن کمک به مقاومت جلوگیری می‌کرد به خشم آورد.

حقیقت آن است که بار اصلی کشتی‌های این کاروان که با قدرت در حال حرکت بود، ارزش‌های والای انسانی بود که در سینه زنان و مردانی نهفته بود که وارد این نبرد شدند و با کمک‌های مالی خود به یاری ساکنان غزه شتافتند. این اقدام به منزله تلاش جامعه اسلامی و انسانی در مواجهه با جامعه نظامی و طاغوت‌زده بین‌الملل و مزدور منطقه‌ای‌اش بود.

اگر همبستگی قوی بین مردم غزه و رهبران منتخب حماس نبود، غزه نمی‌توانست در مقابل محاصره خفقان‌آور و جنگ وحشیانه همه‌جانبه‌ای که از سوی ارتشی که کشورها و نظامیان منطقه از آن می‌هراسند، مقاومت کند

چنین جامعه‌ای، جامعه حق و انسانیت است که در مواجهه با زورگویی و خشم قدرت‌هایی چون امریکا و صهیونیست‌ها ایستاده است. ماهیت این تلاش، ایمان به مظلومیت ساکنان غزه و حمایت از پایداری آنهاست؛ حمایت قلب‌هایی که مالا مال از کینه و نفرت نسبت به اشغالگران

صهیونیست و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است که علیه کودکان غزه با این قدرت‌ها همگام شده‌اند. این قهرمانان، زندگی خود را برای از بین بردن محاصره غزه وقف کردند و تصمیم گرفتند که در مقابل زورگویی، وحشی‌گری، ترس، رذالت و فرومایگی بایستند و با درایت، تدبیر و کاردانی، خرس احمقی چون اسرائیل را به دام بکشند و مایحتاج اولیه و ضروری زندگی را بارگیری کنند. آنها در میان بار خود اسلحه نگذاشته بودند تا دشمن وحشی بتواند آن را بهانه کند و علیه آنها دست به سلاح ببرد و همچنین ترکیب افرادی که در این کاروان بودند با تنوع بالایی انتخاب شده بود؛ این تنوع در سن و سال، رنگ پوست، دین، زبان و جنسیت آنها کاملاً مشهود بود و به این دلیل، آنها به هیچ عنوان شباهتی به یک ارتش منظم و تعلیم‌دیده نداشتند. از این رو نبردی آشکار بین مفاهیم انسانی و توحش و زورگویی درگرفت. با وجود تلاش‌های ناکامی که دشمن برای تسلط یافتن بر تمامی جوانب و به‌ویژه وجهه ظاهری کار انجام داد اما در عرصه رسانه‌ای به سرعت شکست خورد و در نتیجه به شیوه‌ای توهین‌آمیز با اصحاب رسانه، پزشکان، اندیشمندان و امدادگرانی که از کشورهای مختلف آمده بودند برخورد کرد. این موضوع طی دو یا سه روز بذر نفرت از صهیونیست‌ها را در همه‌جا پراکند؛ چراکه این افراد وحشی‌گری این رژیم را لمس کردند. اسرائیل تصمیم گرفت به مبارزه خود ادامه دهد و بر قربانیان فلسطینی خود پیروز شود. این سخنی است که بر زبان هر کسی که چنین تجربه سختی را از سر گذرانده جاری است که هرگز در راه مبارزه با صهیونیسم خسته نمی‌شود. چراکه وحشی‌گری و در عین حال بزدلی سربازان این رژیم را درک کرده و از خود می‌پرسد آنان که ۶۰ سال به آتش این رژیم سوخته‌اند چه کشیده‌اند؟ و بدین ترتیب قضیه مظلومیت فلسطین مخصوصاً غزه بر سر زبان‌ها جاری شد به گونه‌ای که طی ده‌ها سال اشغال این چنین از آن یاد نشده بود. شاهد این مدعا میلیون‌ها نفری هستند که در پایتخت‌ها، شهرها و حتی بسیاری از روستاهای سراسر جهان بر سر ظلم صهیونیست‌ها و حامیان‌شان فریاد کشیدند.

دلیل دیگر بر پیروزی چشمگیر کاروان آزادی، موج اعتراض جهانی سازمان‌ها و کشورها بود که اعتراض خود را به شکل قطع رابطه و فراخواندن سفرا، برگزاری نشست سازمان‌های

بین‌المللی برای محکومیت این اقدام و تفحص در مورد آن نشان دادند. حتی دولت حامی صهیونیست، امریکا نیز که از این رژیم دفاع می‌کند واکنش نشان داد اما در نهایت اعلام داشت که نیروهای اسرائیل در حال دفاع از خود بوده‌اند! گویی این کاروان، بار اسلحه حمل می‌کند و می‌خواهد تل‌آویو را هدف حمله خود قرار دهد که محاصره‌کنندگان مسئولیت این حادثه را متوجه آن ساخته‌اند.

شیخ احمد یاسین چیزی جز جسمی نحیف و صندلی چرخدار نداشت؛ با وجود این به مدد روحیه خود و ایمانش به مقاومت و تغییر معیار قدرت تبدیل به چهره‌ای شده بود که شارون از او می‌ترسید. باید توجه داشت که سرانجام شارون مایه عبرت همگان است

گویی حتی دولت مبارک، که خود یکی از همدستان عمده رژیم صهیونیستی در محاصره غزه و کشتار کودکان و بیماران این منطقه است، با حادثه کاروان آزادی به یکباره از خواب بیدار شد و دستور داد گذرگاه رفح برای مدت نامحدودی باز شود! به راستی چه اتفاقی افتاده؟ و چه چیزی تغییر کرده است؟ چرا در طول جنگ غزه ساکنان این منطقه و تمامی انسان‌دوستان که از همسایه آنها طلب کمک می‌کردند و از او می‌خواستند به

جای همدستی با صهیونیست‌ها به یاری مردم غزه بشتاب پاسخ می‌دهند؟ دور غزه با حمایت مالی امریکا دریافت نمی‌کردند؟

اما امروز چه اتفاقی افتاده؟ آیا تمامی کسانی که مبارک را تشویق کردند که در محاصره همسایه‌اش شریک باشد، تحت فشار افکار عمومی عقب‌نشینی کرده‌اند؟ یا این کار اقدامی در جهت کاستن خشم جامعه رو به انفجار مصر علیه سردمدارانش است؟ جامعه‌ای که تنها در انتظار یک جرقه است تا در قضیه فلسطین نقش پررنگ‌تری داشته باشد.

با وجود مجاملات و تعارفات و به‌کارگیری زبان دیپلماتیک در مورد این موضوع که گاه

دوچهره می‌نماید، کاروان آزادی در دیوار محاصره، شکاف‌هایی ایجاد کرده که هرگز پر

نخواهد شد؛ از این‌رو کاروان‌های کمک‌های انسان‌دوستانه باید از این فرصت استفاده کنند و فعالیت‌های خود را علیه آن افزایش دهند.

آنچه امروز رو به نابودی است تنها دیوار حائل و محاصره غزه نیست بلکه مهم‌تر از آن عامل اصلی برپایی این دیوار یعنی اشغالگری است. طریقه تعامل با کاروان آزادی نشان واضحی از نادانی، بی‌خردی و عقب ماندن از زمان است و

حقیقت آن است که بار اصلی کشتی‌های کاروان آزادی که با قدرت در حال حرکت بود، ارزش‌های والای انسانی بود که در سینه زنان و مردانی نهفته بود که وارد این نبرد شدند و با کمک‌های مالی خود به یاری ساکنان غزه شتافتند

بیانگر آن است که عرصه حتی بر اندیشمندان یهود هم تنگ شده است. این رژیم پای در راه سلفش در آفریقای جنوبی گذاشته و رو به نابودی گام می‌نهد.

۳. اسلام و غزه، ترکیه را به صف مبارزاتی امت باز می‌گرداند.

بیداری اسلامی در ترکیه به رهبری مردی چون نجم‌الدین اربکان آغاز شد و توسط شاگردانش اردوغان، گل و نعمان ادامه یافت. این جنبش چهار دهه بعد از مبارزات، ملت بزرگ ترکیه را به دل تاریخ اسلامی پرافتخار این کشور بازگردانده و با آن آشتی داده است. رهبران این کشور درخشش قرن‌های گذشته را دوباره به صحنه بازگرداندند و گام بزرگی را در رهایی از سکولاریسم تندرو برداشتند و دوباره به آغوش شرق بازگشتند؛ به‌ویژه آنکه اروپا که نگرش‌های آتاتورکی ترکیه را جزیی از آن می‌دید، به ترکیه پشت کرد و تلاش‌های این کشور برای پیوستن به باشگاه مسیحیت ناکام ماند.

درست در زمانی که چنین تحولاتی داخل ترکیه در حال روی دادن است، اروپا به او پشت کرده و بیداری اسلامی روندی فزاینده را طی می‌کند، قضیه فلسطین پای به صحنه می‌گذارد؛ به‌ویژه مسئله غزه و قدس نیز به تکمیل آن می‌پردازد و این جنبش را از یک رویکرد دینی، فردی و اجتماعی صرف به طرحی سیاسی، تمدنی و اسلامی تبدیل کرده؛ به‌ویژه آنکه مصر نیز از این موقعیت عقب نشسته و به تدریج به‌جزیی از اجزای تأمین امنیت برای صهیونیست‌ها

دلیل پیروزی چشمگیر کاروان آزادی، موج اعتراض جهانی سازمان‌ها و کشورها بود که اعتراض خود را به شکل قطع رابطه و فراخواندن سفرا، برگزاری نشست سازمان‌های بین‌المللی برای محکومیت این اقدام و تفحص در مورد آن نشان دادند

تبدیل شده است و به آنها چنگ می‌زند تا به امریکا نزدیک شود و در رأس حکومت باقی بماند. پس از خروج عراق از معادلات منطقه در پی جنگ اول خلیج فارس، بازیگری جز صهیونیسم و ایران در منطقه باقی نماند.

در راستای بیداری اسلامی فزاینده در میان امت و قرار گرفتن ترکیه در مقابل رویگردانی اروپا از این کشور، قضیه غزه همچون میانجی کارآمدی، شکاف بین اعراب و ترک‌ها را پر می‌کند و این خیزش و بیداری دینی را به موضوعی سیاسی تبدیل می‌نماید که به‌سرعت رو به گسترش است و با غلبه بر مشکلات داخلی به‌زودی می‌تواند در خارج به موفقیت دست یابد. کاروان آزادی درست در زمان مناسب وارد عمل می‌شود تا این تحول بزرگ تاریخی را با قدرت تمام به جلو راند تا اسرائیل مهم‌ترین هم‌پیمان خود را در منطقه از دست بدهد. این اتفاق در سایه نظام دموکراتیکی می‌افتد که مشروعیت خود را از افکار عمومی کسب می‌کند. امروز همه یکصدا صهیونیست‌ها را محکوم می‌کنند چراکه عامل کشتار شهروندان بی‌گناه ترک بوده و درصدد بازپس‌گیری کرامت ملت ترک است که مورد آزار صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند و به

این ترتیب مجال برای مقابله با صهیونیست‌ها فراهم می‌شود و نه آشتی با آنها.

برای این حماقت صهیونیست‌ها نمی‌توان تفسیری جز آنچه به قول فلاسفه مکر تاریخ است در نظر گرفت؛ همان چیزی که به زبان اسلام و قرآن تقدیر و مکر خداوند در برابر دشمنانش است: «و مکرون و مکرالله والله خیر الماکرین»^۱ این خون پاک شهدای غزه و رنج‌ها و شکست‌هایشان است که به بار می‌نشیند و ثمر می‌دهد.

۴. اسلام، انگیزه قوی را به عرصه سیاست بین‌المللی بازگرداند.

برخلاف فلسفه‌های بدبینانه درباره پایان تاریخ، مرگ ایدئولوژی و آنچه فلسفه‌های بشری در مورد عصر دانش و به پایان رسیدن دوره ادیان بدان معتقدند، دین آسمانی و بر حق اسلام، امروز شاهد بیداری روزافزونی است که رو به گسترش کمی و کیفی دارد. مسلمانان در اوایل قرن بیستم، تنها ۴٪ از جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند در حالی که ساکنان اروپا ۴۰٪ از این میزان را از آن خود کرده بودند. این نسبت در اوایل قرن جدید تحولی اساسی یافت. ساکنان اروپا تنها ۴۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در حالی که مسلمانان ۲۰٪ این ترکیب را از آن خود کرده‌اند که برآورد می‌شود این میزان در پایان قرن حاضر به ۴۰٪ برسد. از جانب کیفی نیز می‌توان گفت مسلمانان امروز به مراتب از گذشتگان خود بهترند و رغبت بیشتری به تعالیم اسلامی از خود نشان می‌دهند و تنها چند دولت غیرمردمی هستند که شهروندان مسلمان خود را از به‌جا آوردن فرایض اسلامی منع می‌کنند که آنها هم نمی‌توانند چندان در برابر موج اسلامی و آزادخواهانه مقاومت کنند.

مسلمانان امروز بیش از گذشتگان خود از زمانه و دانش‌های آن آگاه‌اند. اسلام نیز امروزه بیش از سایر ادیان مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و گسترش می‌یابد؛ برای فهم این موضوع کافی است نگاهی به تظاهراتی بیندازیم که خیابان‌های شهرهای مختلف جهان شاهد

۱. قرآن کریم، ۵۴/۳.

آن است تا اسلام را در آنها لمس کنیم. در عرصه سیاست جهانی نیز اگرچه هنوز هم در اثر دشمنی‌های تاریخی و تأثیر صهیونیسم اصرار بر دوری گزیدن از این دین وجود دارد اما سیاست تا ابد نمی‌تواند در مقابل حقایق و واقعیت‌ها مقاومت کند و در نهایت باید مصلحت خود را در نظر گیرد که این مصلحت نیز در همراهی با مسلمانان است نه صهیونیست‌ها؛ بنابراین آن را کنار خواهد نهاد.

از سوی دیگر تأثیر صهیونیسم بر تصمیم‌گیری‌های اروپا کم خواهد شد و مسئله فلسطین روابط بین اسلام و غرب را در همین راستا با سرعت بیشتری پیش خواهد برد.

مسئله فلسطین شاخص مهمی در عرصه افکار عمومی است. از زمانی که این مسئله به کانون مسائل جهان اسلام تبدیل شد امت اسلامی، جمال عبدالناصر و ایدئولوژی او و همچنین یاسر عرفات و طرحش را محکوم نمود و امروز با

این تصادفی نیست که صهیونیست‌ها با وجود حضور غیرمسلمانان در کاروان آزادی، همزمان با وقت نماز صبح به این کاروان حمله می‌کنند. واضح است که اسلام چه امروز و چه در آینده ستون اصلی مهم‌ترین مبارزات این امت را تشکیل می‌دهد

حماس و همپیمانان و دوستانش همراه شده است.

روشن است اسلام فلسطینی چه در غزه و چه در کرانه باختری ۱۹۴۸ و یا در اردوگاه‌ها چه نقشی ایفا می‌کند. اسلام نماینده حماس، قطب مهمی است که امت اسلامی و توانایی‌های آن را گرد این موضع مقدس جمع می‌کند و نیروهای آزادیخواه را که دیروز گرد مسئله الجزایر و ویتنام می‌گشتند امروز دورادور خود جمع کرده است.

نگاهی به جنبش جهانی «غزه آزاد» و نیروهای آزادیخواهی که از تمامی ملت‌ها و گرایش‌های آزادیخواهانه دور آن گرد آمده‌اند و تلاش‌هایی که برای شکستن محاصره غزه و فائق آمدن بر

اشغالگران انجام می‌شود، نقش پیشروی آزادیخواهانه و جهانشمولی را آشکار می‌سازد که اسلام به‌طور کلی و اسلام با نگرش فلسطینی و ترکی به‌طور خاص ایفا می‌کند.

این تصادفی نیست که صهیونیست‌ها با وجود حضور غیرمسلمانان در کاروان آزادی، همزمان با وقت نماز صبح به این کاروان حمله می‌کنند. واضح است که اسلام چه امروز و چه در آینده ستون اصلی مهم‌ترین مبارزات این امت را تشکیل می‌دهد؛ گویی مؤذن کائنات ندای اذان سر داده و صدایش درهای آسمان را می‌گشاید و در سراسر جهان پخش می‌شود. همراه نوح پیامبر در کشاکش طوفان ندا سر می‌دهد و فرزندش را به کشتی نجات فرا می‌خواند:

فرزندم با ما بیا و در زمره کافران مباش، اما او پاسخ داد که به کوهی می‌روم تا مرا از سیل نجات بخشد و نوح گفت امروز هیچ‌کس از اراده خداوند رهایی نمی‌یابد مگر آنکه پروردگار بر او رحم آورد.^۱